

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 4, Summer 2022, 215-240
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.33127.2008

A Critical Review on the Book “Theory of Systems and Paradigm Shift in Sociology”

Hamid Sajadi*

Abstract

Nicholas Luhmann's systems theory as a social theory has created a good perspective for understanding the social system and the modern world. *"Theory of Systems and Paradigm Shift in Sociology"* compiled and translated by Ali Ardestani is an important work about Luhmann. This work contains five articles by Nicholas Luhmann entitled: Changing Paradigms in Systems Theory, New Systems Theory, Society Theory, Modernity of Science, Globalization, or the Global Community: How to Understand the Global Community, Speech and Silence, and three articles by other authors entitled Why Systems, Heritage Luhmann is the foundation of the social systems. By focusing on social theory, communication theory, and evolution theory as the main elements of system theory on the one hand and placing the social system in relation to the environment of both the modern world and the world community on the other hand, the work in question has provided an acceptable explanation of systems theory. However, the work in question is not without flaws; poor coverage of topics, as well as incomprehensible translations and equations, are notable. Therefore, in the leading article, while explaining the theory of systems,

* PhD in Political Sociology, Assistant Professor, Department of Social Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS), Tehran, Iran, H.Sajadi@ihcs.ac.ir

Date received: 10/01/2022, Date of acceptance: 23/05/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

which constitutes the main content of the book, it is reviewed in three parts: form, content, and translation.

Keywords: Social System, Communication, Meaning, Self-Referential, Functionalism

بررسی انتقادی نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی

حمید سجادی*

چکیده

نظریه سیستمی نیکلاس لومان در مقام یک تئوری اجتماعی، چشم‌انداز مناسبی برای شناخت نظام اجتماعی و جهان‌مدرن بوجود آورده است. «نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی» تدوین و ترجمه علی اردستانی اثری حائز اهمیت درخصوص اندیشه‌های لومان و عناصر اندیشگی اوست. این اثر دربرگیرنده پنج مقاله از نیکلاس لومان با عناوین: تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها، نظریه سیستم‌های جدید و نظریه جامعه، مدرنیت علم، جهانی شدن یا جامعه جهانی: چگونه باید جامعه جهانی را درک کرد، سخن و سکوت، و سه مقاله از دیگر نویسندگان با عناوین چرا سیستم‌ها، میراث لومان و بنیانهای نظریه سیستم‌های اجتماعی است. اثر موردبحث با تمرکز بر نظریه اجتماعی، نظریه ارتباطات و نظریه تکامل به عنوان عناصر اصلی نظریه سیستمی از یکسو و قرار دادن سیستم اجتماعی در ارتباط با محیط اعم از جهان مدرن و جامعه جهانی، تبیینی قابل قبول از نظریه سیستم‌ها ارائه نموده است. با این حال اثر مورد بحث خالی از ایراد نیست؛ ضعف پوشش مباحث، همچنین ترجمه و معادل‌سازی‌های نامفهوم از جمله موارد قابل ذکر است. از این‌رو در مقاله پیش‌رو ضمن توضیح نظریه سیستم‌ها که محتوای اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد، به نقد و بررسی آن در سه بخش صوری و محتوایی و ترجمه پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سیستم اجتماعی، ارتباط، معنا، خودارجاعی، کارکردگرایی.

* دکترای جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه تهران و استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

تهران، ایران، H.Sajadi@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

تئوری سیستم‌ها یک چارچوب مفهومی است که بر این اصل استوار است که اجزای تشکیل دهنده یک سیستم را می‌بایست در متن روابط با یکدیگر و با سیستم‌های دیگر درک کرد. نظریه سیستم‌ها با این مفروض که در جهان نظم و شعور وجود دارد و از طریق مجموعه‌ای نظامند، اقدامات در آن ایفاء می‌شود (بیکر، ۱۳۹۴: ۱۳)، نقش برجسته‌ای در تحول نظریات اجتماعی داشته است. «نظریه عمومی سیستم: مبانی، توسعه، کاربردها» اثر لودویگ فون برتالانفی (۱۹۶۸)، اولین گام اساسی در تبیین رویکرد سیستمی بود. هرچند مطالعات قبلی دانشمندان بویژه مردم‌شناسانی همچون مارگارت مید و گریگوری بتسون، عناصر مختلفی از این نظریه را مطرح کرده بودند اما تنها در این زمان بود که برتالانفی با ارائه نظریه یکپارچه، امکان مناسبی برای درک سیستم‌های پیچیده و نحوه مدیریت بهتر آنها فراهم آورد. سپس در پرتو توجه اندیشمندان بسیاری در این حوزه، طیف متنوعی از نظریه‌های سیستمی شکل گرفت. با این توضیح که نظریات سیستمی باز و بطور خاص نظریه‌ی سیستم اجتماعی در پرتو تاملات و نظریه‌پردازی نیکلاس لومان، نقطه اوج اندیشگی در این حوزه بشمار می‌رود. لومان با وارد کردن متغیرهای متنوعی از جمله، متغیر زمان، و تولید مفاهیمی همچون خودارجاعی و خودسازی سیستمی، شکل تکامل یافته‌ای از نظریه سیستمی را ارائه داد. با توجه به اهمیت نظریه‌ی سیستم اجتماعی همچنین جایگاه لومان در اندیشه‌ورزی در این حوزه، نقد و بررسی کتاب «نظریه‌ی سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی» که با تامل بر اندیشه‌های نیکلاس لومان تدوین و ترجمه شده، حائز اهمیت فراوان است. با این توضیح در ادامه بحث را با معرفی کوتاهی از مترجم و تدوین کننده کتاب پی‌گیری کرده، سپس با مرور بر آثار لومان بحث را دنبال می‌کنیم.

۱.۱ معرفی مترجم کتاب

دکتر علی اردستانی استاد علوم سیاسی، مترجم و صاحب اثر در این حوزه است. از جمله آثار او می‌توان به «ساختار و ماهیت روش‌شناسی در علم سیاست» و «بنیادهای نظری علم سیاست: تاملی بر رابطه علم و دموکراسی»، اشاره کرد. وی همچنین مترجم کتابهایی چون «اندیشه سیاسی اسلام در سده‌های میانه نوشته آروین روزنتال»، «درآمدی بر علم سیاست» نوشته مایکل جی راسکین و دیگران، «تنش جوهری» نوشته تامس کوون، است. کتاب

«نظریه‌ی سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی؛ تاملی بر اندیشه‌های نیکلاس لومان»^۱ که موضوع این مقاله است نیز از جمله آثاری است که وی گردآوری و ترجمه کرده است.

۲.۱ معرفی نیکلاس لومان

نیکولاس لومان (Niklas Luhmann) در ۸ دسامبر ۱۹۲۷ در لونبرگ آلمان متولد شد. او از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹ در دانشگاه فرایبورگ (University of Freiburg) و در رشته حقوق تحصیل کرد. در سال ۱۹۶۱ به هاروارد رفت تا جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز (Talcott Parsons) متفقدترین جامعه‌شناس آن دوره را فراگیرد. تمرکز پژوهش لومان عمدتاً در زمینه سیستم‌های اجتماعی بوده و انتقادات جدی بر پیچیدگی تحلیلی رهیافت کارکردگرایانه پارسونز وارد کرده است. بین سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۷ لومان بیش از ۵۰ کتاب و ۳۰۰ مقاله را منتشر کرده است. مهمترین وجه نظری لومان رهیافت سیستم‌های عمومی است، به تبع عنوان مهمترین کتاب وی نیز سیستم‌های اجتماعی (لومان، ۱۹۹۵) است. آنچنان که غالب آثار لومان در حوزه‌های گوناگون همچون علم، هنر، اقتصاد، سیاست، دین، حقوق، و رسانه، بر مبنای این رویکرد تدوین شده است.^۲ تا قبل از لومان، نظریه سیستم‌ها در جامعه‌شناسی با کار تالکوت پارسونز و مکتب کارکردگرایی ساختاری وی پیوند داشت؛ اما بر اثر نظریه پردازی کاملاً متفاوت لومان نظریه کارکردگرایی، دستخوش تحول عمده‌ای شد.

۳.۱ معرفی کتاب^۳

کتاب «نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی» در واقع مجموع مقاله است و دربرگیرنده پنج مقاله از نیکلاس لومان با عناوین؛ تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها، نظریه سیستم‌های جدید و نظریه جامعه، مدرنیت علم، جهانی شدن یا جامعه جهانی: چگونه باید جامعه جهانی را درک کرد، سخن و سکوت، و سه مقاله از دیگر نویسندگان با عناوین چرا سیستم‌ها به قلم درک بیکر، میراث لومان نوشته گوترد بچمن و نکو استر و بنیانهای نظریه سیستم‌های اجتماعی لومان نوشته الکس ویسکواتف، است. در اولین مقاله باعنوان «چرا سیستم‌ها»، بیکر، تعاریف متنوعی از سیستم را ارائه و مورد واکاوی قرار می‌دهد. در نهایت

بیکر در این مقاله نظریه سیستمی را به آزمون گذاردن امکان و چگونگی بازتولید سیستم‌ها تعریف می‌کند امری که پیش از این امری بدیهی قلمداد می‌شد (بیکر، ۱۳۹۴: ۳۸-۱۳).

مقاله دوم با عنوان «تغییر پارادایم در نظریه‌ی سیستم‌ها»، بخشی از کتاب سیستم اجتماعی (نیکلاس لومان، ۱۹۹۵) است. در این مقاله لومان تنوع نظریه‌های سیستمی و سرعت تحول در این نظریات را مورد بحث قرار می‌دهد. تحولات بنیادینی که در نهایت به عنوان تغییر پارادایم در این حوزه صورت بندی می‌شود (لومان، ۱۳۹۴: ۴۱). از نظر لومان محرکه این تحولات بیش از این که به جامعه‌شناسی ارتباط داشته باشد متاثر از ترمودینامیک و بیولوژی و از نظریه‌های ارگانیسم و فیزیولوژی اعصاب، بافت‌شناسی، علوم کامپیوتر، نظریه اطلاعات و سیرنیتیک بوده است. برغم این تأثیرپذیری لومان تأکید دارد که نظریه سیستم‌های عمومی می‌بایست با رویکرد جامعه‌شناسی به محک آزمون گذارده شود. چرا که تنها در این حالت است که می‌توان از پیشرفتهای انتزاعی، مفهوم بندی نوینی را استخراج کرد که عنصر اصلی آن زمانمند شدن است. این امر نظریه سیستمی را به عنصر موقتی و گذرای بودن مجهز می‌کند و امکان برقراری ارتباط با محیط و بازتولید آن و در نهایت معناداری آن را فراهم می‌آورد (لومان، ۱۳۹۴: ۵۷-۴۱).

مقاله سوم با عنوان «نظریه‌ی سیستم‌های جدید و نظریه‌ی جامعه»، سخنرانی لومان در شانزدهمین کنگره جامعه‌شناسان آلمان در سال ۱۳۶۸ در فرانکفورت است. لومان در این مقاله بحث را با طرح این پرسش که آیا می‌توان جامعه را به گونه‌ای بسنده به عنوان یک سیستم درک و فهم نمود، پی‌گیری می‌کند. در راستای فهم و پاسخ به این مسئله، لومان به طبقه بندی مجموعه تلاشهایی که برای فهم جامعه به عنوان یک سیستم اجتماعی صورت گرفته می‌پردازد از جمله؛ فهم نظام اجتماعی به مثابه امر کلی، بهره‌گیری از قیاسهای استعاری برای مفهوم ارگانیسم‌ها یا ماشین‌های سیرنیتیک و نهایتاً نظریه عمومی سیستم‌های کنش. از نظر وی چنین تلاش‌هایی متقاعد کننده نبوده و با مشکلات و دشواری‌هایی در تعریف سیستم و تبیین مرزهای محیطی مواجه هستند علاوه بر اینکه از امکان شناسایی ویژگی‌های خاص سیستم‌های معناساز نیز برخوردار نیستند. لومان برای رفع این نقیصه اتخاذ رویکردی کارکردگرا را پیشنهاد می‌کند (لومان، ۱۳۹۴: ۸۴-۶۳).

مقاله چهارم با عنوان «بنیانهای نظریه‌ی سیستم‌های نیکلاس لومان»، از ویسکواتف است. از نظر نویسنده، لومان بیش از هر نظریه پرداز اجتماعی به مرکزیت مفهوم معنا برای

نظریه اجتماعی توجه کرده است. از نظر ویسکواوتف نظریه لومان تلاشی برای یافتن نظریه‌ای است که هم امر اجتماعی را دربرگیرد و هم آن را به گونه‌ای اثباتی تعریف کند که ویژگی خودبستگی داشته باشد. ویسکواوتف با اذعان به قدرت نظریه لومان، با رویکردی انتقادی به بررسی مجموعه ضعف‌های نظریه او می‌پردازد. از جمله مهمترین مسئله مربوط به اقتباس بیولوژی به عنوان مبنای نظریه لومان است که موجب شده تا نظریه وی قدرت توضیحی کافی را نداشته و بیش از هر چیز در وجه توصیفی محدود بماند. همچنین از نظر وی، نظریه سیستمی لومان عوامل مخل و تباہ کننده را در نظر نگرفته است، علاوه بر این از نظر وی نظریه معنای لومان، استقلال روشن و منسجمی برای حوزه اجتماعی فراهم نیاورده است. ویسکواوتف نهایتاً نظریه لومان را فاقد مفاهیمی در خصوص سوژه ارزیابی می‌کند. در این راستا وی بیش از هر چیز بر خودفهمی سوژه‌ها در نظریه اجتماعی تاکید دارد (ویسکواوتف، ۱۳۹۴: ۱۳۷-۸۶).

مقاله پنجم کتاب با عنوان «مدرنیت علم» فصل دهم کتاب «علم جامعه» نوشته لومان است (لومان، ۱۹۹۲). لومان در این بخش با اشاره به این که مدرنیت جامعه مدرن در جامعه‌شناسی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و جامعه مدرن با بدنام سازی جامعه قدیم، جدیدبودگی خود را تولید کرده به این نکته اشاره می‌کند که باز نمود علم به عنوان امری مدرن، بی چون و چرا بر مسند نشسته است و فاقد هرگونه تجزیه و تحلیل نظری است. در این راستا وی تلاش می‌کند تا این مفهوم را مورد تدقیق قرار می‌دهد. تحلیل لومان در این بخش در تقابل دیدگاه پارادیمی دیدن علم قرار دارد. با این توضیح که رویکرد وی مبتنی بر انفکاک کارکردی سیستم اجتماعی و خودفهمی سازه انگارانه ی علم است (لومان، ۱۳۹۴: ۱۶۳-۱۴۲).

مقاله ششم با عنوان «جهانی شدن یا جامعه ی جهانی: چگونه باید جامعه مدرن را درک کرد»، به قلم لومان است. مقاله با فرض وجود واقعیت سیستم جهانی آغاز می‌شود با این توضیح که این وجه بین المللی نه رابطه ای بین چند کشور بلکه ناظر بر مسائل سیاسی و اقتصادی در سیستم جهانی است. لومان وقوع مسائل جدید و همزمانی تغییرات در سراسر جهان را دال بر پیچیدگی فهم در این حوزه می‌داند. لومان در پاسخ به این سوال که آیا سیستم جهانی یک جامعه یا سیستمی از جوامع است، را بر مبنای این فرض دنبال می‌کند

که مفهوم جامعه ترکیب خاصی از تمایز و همسانی، یعنی انفکاک و وحدت بازسازی شده است (لومان، ۱۳۹۴: ۱۹۳-۱۶۷).

مقاله هفتم کتاب با عنوان «سخن و سکوت»، است. لومان در این مقاله بیان می‌کند که ارتباط به جای پیوند موجب تقسیم و مرزبندی در جهان شده است. در این معنا لومان مفهوم متضاد ارتباط‌ناپذیری ارتباط را برای تبیین مفهوم خود استخدام می‌کند (لومان، ۱۳۹۴: ۲۱۳-۱۹۷).

مقاله هشتم کتاب با عنوان «میراث نیکلاس لومان»، به قلم بیچمن و استر، همانگونه که از عنوانش پیداست نگاهی کلی به آثار لومان دارد. آثار لومان تقریباً شامل ۷۰۰ اثر است که از جمله مهمترین این آثار می‌توان به «ساختار جامعه‌گی و معناشناسی»، «روشن‌اندیشی جامعه‌شناسی»، «جامعه‌شناسی ریسک»، «ارتباط بوم‌شناختی»، «واقعیت رسانه‌های گروهی»، «نظریه سیاسی دولت رفاه»، اشاره کرد. در مجموع برجسته‌ترین تلاش وی ایجاد نظریه‌ای در باب جامعه مدرن است که در مجموعه‌ای از مقالات و نهایتاً تدوین کتاب جامعه‌ی جامعه، تدوین شده است. نویسندگان مقاله حاضر جامعه‌ی جامعه را نقشه راهنمایی برای فهم نظریه سیستم‌های جدید لومان معرفی می‌کنند. در این راستا بررسی بنیانهای نظریه اجتماعی لومان و ترسیم ویژگی‌های اصلی رویکرد و سیستم نظری لومان، دو بخش اصلی این مقاله است. لومان همواره دیدگاه ضدانسان‌گرا، غیرهستی‌شناختی و سازه‌گرایی رادیکال را در مورد جامعه فرض گرفته است. رادیکال‌ترین فرض رویکرد نظری لومان، تاکید بر تفاوتها و تمایزهایی است که دیگر نه به عنوان تفاوت‌های عینی، بلکه به عنوان سازه‌ها ملاحظه می‌شوند. جایگزینی مفهوم سوژه و انتقال تفکیک سوژه/ابژه به تمایز میان سیستم و محیط، لومان را به نظریه‌ای پسا هستی‌شناختی در باب جامعه رهنمون می‌سازد. نهایتاً این که در نزد لومان تمایز و انفکاک اجتماعی و شکل‌گیری سیستم، ویژگی‌های اصلی جامعه مدرن را تشکیل می‌دهند. سخن اینکه در نظر لومان جامعه‌شناسی در نهایت نظریه‌ای در باب جامعه است نه یک علم (بیچمن و استر، ۱۳۹۴: ۲۴۳-۲۱۷)

۲. نقد و بررسی شکلی اثر

۱.۲ ویژگی‌های فنی اثر

کتاب «نظریه‌ی سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی، تاملی بر اندیشه‌های نیکلاس لومان»، ترجمه علی اردستانی در سال ۱۳۹۴ توسط نشر قومس در یک جلد و در ۲۵۶ صفحه به چاپ رسیده است. به لحاظ ویژگی‌های فنی اثر، باید بیان داشت که جلد کتاب مناسب بوده و با طراحی ساده از چهره لومان مزین شده است. کتاب با قطع رقعی و جلد شومیز صحافی شده است. صحافی کتاب، خوب بوده و اغلاط چاپی نیز ندارد. صفحه‌آرایی، مناسب و خوب است همچنین کیفیت چاپ نیز مطلوب است و هیچگونه ایراد چاپی ندارد. حروف نگاری کتاب نیز بسیار خوب و مطلوب است. به طور کلی اندازه فونت و سایز کلمات و فاصله جملات مناسب و چشم نواز است.

۲.۲ قواعد عمومی نگارش و ویرایش تخصصی اثر

ویراستار جزو غیرقابل حذف چرخه تولید کتاب است، لاجرم غیاب ویراستار غیرقابل قبول است. در واقع فقدان ویراستاری کتاب موجب شده تا ترجمه و متن کتاب از حداقل کیفیت لازم برخوردار باشد. متن سرشار از کلمات مبهم، جملات بلند، عبارات متنی نارسا، اصطلاحات ترجمه نشده است. به لحاظ ظاهری نیز کمتر علائم و نشانه‌گذاری‌های نگارشی یک متن رعایت شده است. به عنوان مثال در صفحه ۱۹ جمله «او در همین رابطه به استنلی کیول استناد می‌کند» (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۹)؛ مشخص نیست ضمیر او به چه کسی ارجاع دارد، در صفحه ۲۱ جمله با «و یا» شروع می‌شود، در صفحه ۱۹ پاراگراف اول پراکنده باز شده اما بسته نشده است و در همان صفحه جمله بدون ویراستاری بدین نحو نگارش شده است: موجودیتی، توانایی احتساب فقدان دانش خود.

مسائل فوق‌الذکر تمام آن چیزی است که در حوزه تخصصی که ویراستاری بوده و برای هرچه روان‌تر شدن متن موجود امری ضروریست. از همین رو است که اغلب برای ویراستاران جایگاهی هم تراز با نویسندگان یا مترجمان اثر تعریف شده است. تعریف واژگان و اصطلاحات بصورت زیر نویس و یا در صورت امکان استفاده از واژگان به ذهن آشناتر از طریق معادل سازی می‌تواند مرتفع کننده این ابهام در ذهن خواننده باشد.

۳.۲ کیفیت روان بودن و رسایی کتاب

متن ترجمه شده در موارد بسیاری غامض و نامفهوم است، از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

- در این مقاله کوشش می‌شود تا نگاهی دقیق‌تر به مفهوم مرکزی نظریه‌ی سیستم‌ها، یعنی مفهوم سیستم، انداخته شود (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۶).
- سیستم معنای جز شمول مفهوم پیش بینی ناپذیری واقعی اش دربر ندارد. سیستم به معنای بازگشت غیرخطی و مساوی با پیش بینی پذیری می باشد. (همان، ۱۷)
- شاید بتوان گفت که روح و عمل سیستم‌ها از دیدگاهی که هر بخشی از یک کل را هوشمندتر از همان می‌داند، نظری‌تر هستند (همان، ۱۸).
- ویور تعریفی از پیام ارائه می‌کند که حتی در صورت عدم لحاظ آن، رای درک آن از هر نمودار دیگری در مورد فرستنده/گیرنده/کانال/اختلال مهم‌تر است. (همان، ۲۵-۲۴)
- عدم تعیین واقعی دلالت، یعنی درون متمایز، با توجه به بیرون تمایز و خود عملیات تمایز متقاطع عدم تعیین را فرض می‌گیرد و این دلیل آن است که چرا عملیات‌های بازتولید باید خود ارجاعی باشند (همان، ۳۲).
- سازمانها ابزار شهودی خود-واسازی جامعه مدرن هستند (همان، ۳۷).

۳. بررسی ابعاد محتوایی اثر

۱.۳ انسجام و نظم منطقی

مقالات از ترتیب و چینش مناسبی برخوردارند؛ با این توضیح که نخست مقاله درک بیکر تحت عنوان چرا سیستم‌ها آغاز کننده مناسبی برای شروع بحث در خصوص نظریه‌ی سیستم‌ها است همچنین مقاله میراث نیکلاس لومان نوشته گوتارد بچمن و نکو استر مقاله مناسبی است که مترجم برای انتهای کتاب انتخاب کرده است. اختصاص پنج بخش از کتاب به مقالات لومان با توجه به تمرکز بر روی اندیشه‌های لومان نیز مثبت ارزیابی می‌شود و اختصاص سه مقاله دیگر به لومان در آراء و نظر دیگران نیز قابل توجه است. در کل

فهرست مطالب و چینش مقالات در فهرست مطالب مناسب و متناسب بوده و موجب شده تا متن از نظم منطقی مناسبی برخوردار باشد.

۲.۳ عدم یکدستی مقالات

برغم فهرست مطالب که عناوین بامعنا و چینی متناسب را ترسیم می‌کنند، مقاله‌های کتاب به شکلی منسجم با یکدیگر پیوند نخورده است. مقاله نخست مقاله ای نگارش یافته توسط درک بیکر (۲۰۰۱) است که مترجم صرفاً با حذف چکیده مقاله در متن ترجمه شده تلاش کرده تا ساختار مقاله را در متن کتب ترکیب کند، مقاله ای دوم بخش مقدمه کتاب سیستم‌های اجتماعی (۱۹۸۴) است، سومین مقاله از سخنرانی لومان در شانزدهمین کنگره جامعه‌شناسان آلمان (۱۹۶۸) است، مقاله ای چهارم توسط ویسکواوتف ارائه شده در سمینار اراسموس در فلسفه و اقتصاد (۱۹۹۹) است، مقاله پنجم مدرنیت علم (۱۹۹۴) فصل دهم کتاب علم جامعه است، مقاله ششم و هفتم دو مقاله مجزا از لومان (۱۹۹۷ و ۱۹۹۴) و نهایتاً مقاله هشتم هم میراث لومان نوشته بچمن و استر است. تفرق در سطح تحلیل مقاله‌ها (همایش، فصل کتاب، مقاله نشریه)، نویسندگان و موضوعات و نهایتاً عدم یکدستی مقالات و همپوشانی ضعیف مطالب، موجب شده تا خواننده نتواند به فهمی منسجم از مفهوم نظریه سیستم‌ها رهنمون شود.

۳.۳ عنوان تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی

نام کتاب که با عنوان نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی، برجسته شده است، نامی چندان متناسب برای این کتاب نیست، در واقع «تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها» که عنوان مقاله دوم کتاب (اردستانی، ۱۳۹۴: ۴۱) نیز است عنوان مناسب‌تری است. علاوه بر این با وجود تعدد و تکراری از نظریه‌ها و خرده نظریه‌ها در حوزه جامعه‌شناسی، نمی‌توان داعیه تحول و شکل‌گیری یک پارادایم در جامعه‌شناسی آن هم تحت عنوان نظریه سیستم‌ها را داشت.

۴.۳ اصول منبع دهی علمی

- رفرنس دهی مقالات یکدست نیست و هر یک از مقالات و بخش‌ها به شکلی متفاوت، ارجاع به منابع داده‌اند. به عنوان مثال مقاله بیکر تحت عنوان «چرا سیستم-ها» (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۳) و «بنیانهای نظریه‌ی سیستم‌های اجتماعی» (همان، ۸۶) ارجاعات درون متنی است در حالی که مقالات «تغییر پارادایم در نظریه‌ی سیستم-ها» (همان، ۴۱) و «مدرنیت علم» (همان، ۱۴۲)، ارجاعات در انتهای متن آورده شده است.
- مقاله پایانی تحت عنوان «سخن و سکوت» (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۹۷)، ارجاعات به شکل درون متنی است، و در کل متن دو ارجاع دارد که در انتها برای یکی از ارجاعات درون متنی، آدرس منبع در پایان ذکر نشده است (لومان، ۱۹۹۷: ۷۷-۷۶)، در (اردستانی، ۱۳۹۴: ۲۲۶).
- با توجه به اینکه توضیح کامل منابع هر بخش و مقاله، در پایان هر مقاله و بخش آورده شده (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۲، ۳۸، ۵۸، ۱۳۷، ۱۶۳، ۱۹۴ و ۲۱۴) تکرار آنها در بخش پایانی توجیهی ندارد (اردستانی، ۱۳۹۴: ۲۵۲-۲۴۴).
- اشاره به اسامی نویسندگان و تاریخ در ارجاع درون متنی به انگلیسی، نوعی بهم ریختگی و آشفتگی در نوشتار را دامن زده است از جمله موارد می‌توان به (اردستانی، ۱۳۹۴: ۳۷-۱۵ و ۱۲۷-۸۵) اشاره کرد.

۱.۴.۳ عدم یکدستی زبانی زیرنویس‌ها

- معادل اصطلاحات تخصصی در زیرنویس متن، بصورت یکدست تنظیم نشده است به عنوان مثال برخی از معادل‌ها انگلیسی (Mystical, circular-ص ۲۲)، برخی فرانسوی (Forme mediale-ص ۳۴) و بعضی آلمانی (Geist, ding an sich-ص ۲۰) است.

۴. ارزیابی ترجمه

- مترجم Over-determination را به تعیین سراسری ترجمه کرده و under-determination را به بی‌تعینی و در توضیح آن را این گونه توصیف کرده: با وجود علل و معلولات بی‌شمار سیال اطراف این جهان بدون ارتباط مشخصی میان آن‌ها (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۴). این در حالی است که Over-determination به معنای این است که یک معلول بواسطه چندین علت تعیین می‌شود حال آنکه تنها یکی از آن‌ها برای آن تاثیرگذاری بر معلول کافی بوده است و under-determination بدین معنا است که تعداد و یا قدرت علت‌ها کافی نیست و بی‌تعینی نمی‌تواند ترجمان مناسبی برای این اصطلاح باشد.^۴ با این توضیح کاملاً آشکار است که نه تعیین سراسری و نه بی‌تعینی نمی‌تواند معادل مناسب و دقیقی برای این اصطلاحات باشد.
- مترجم عبارت ابتدایی متن Control by Communication که عنوان شروع مقاله نیز می‌باشد (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۳) را به اشتباه «ارتباط از طریق کنترل» ترجمه کرده است. در حالی کاملاً کنترل از طریق ارتباطات است و نه بالعکس.
- مترجم برای اصطلاح پدیدارشناسی هوسرل (Epoché) معادل «دوران» (اردستانی، ۱۳۹۴: ۲۰) را برگزیده که معادلی نامفهوم برای این اصطلاح است. با این توضیح که مهمترین موضوع پدیدارشناسی هوسرل، مفهوم اپوخه به معنای اجتناب از پیش داوری‌ها یا تعلیق آنها اصطلاحی جا افتاده است (Moerer & Creawell, 2004, p7)
- در متن اصطلاح Communication به ارتباط ترجمه شده است^۵ این ترجمه اشتباهی از این اصطلاح نیست اما با توجه به متن معادل ارتباطات ترجمه مناسبتر و بهتری است. در واقع استفاده از واژه ارتباط از جمله برای نظریه ارتباط (اردستانی، ۱۳۹۴: ۲۴)، نظریه ریاضی ارتباط (همان، ۲۴)، ارتباط: ماتریس اجتماعی روان‌پزشکی (همان، ۲۵)، موجب ابهام در فهم مسئله شده است.
- مترجم اصطلاح Pragmatics (اردستانی، ۱۳۹۴: ۲۷) را «عمل‌شناسی» ترجمه کرده حال آن که عملگرایی معادل بهتری برای این واژه است.
- نظریه سیستم‌ها به معنای علاقمندی به تغییرات اسناد می‌باشد (اردستانی، ۱۳۹۴: ۲۹). در اینجا «اسناد» معادل attribution قرار داده شده است. این در حالی است که

attribution به معنای نسبت دادن و تخصیص است و اسناد نمی‌تواند واژه مناسبی برای این اصطلاح باشد.

- اشتباه تایپی Realicy (اردستانی، ۱۳۹۴: ۵۱) بجای Reality.

۱.۴ معادل سازی

در مواردی نیز جمله و اصطلاحی بدون ترجمه آورده شده است و نویسندگان بی آنکه توضیحی درباره آن ارائه کنند از آن گذر کرده است و این امر موجب ابهام در فهم متن شده است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

- ایده و بوروکراتیک (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۳)، (Bureaucratic)

- سازمان تیلوری (همان، ۱۳)،

- پارادوکس و توتولوژی (همان، ۱۹۸)، (Tautology)

- تئولوژی (همان، ۳۱)، (Theology)

- پلورالیسم (همان، ۴۱)، (Pluralism)

- انتولوژیکی (همان، ۱۰۵)، (Ontological)

- بیولوژی (همان، ۵۶)، (Biology)

- ترمینولوژی (همان، ۲۳۶)، (terminology)

۲.۴ کم‌دقتی معادل سازی‌های مناسب در ترجمه

کتاب مورد بحث، علاوه بر حجم وسیعی از اصطلاحات تخصصی حوزه علوم اجتماعی و نظریه‌ی سیستمی، سرشار از واژگان ثقیل و تخصصی نامانوس است که ترجمه اصطلاحات و معادل سازی خاص مترجم برای مفاهیم است. امری که موجب شده متن کتاب شکل روانی نداشته و معنای آن نیز رسا و گویا نباشد. علاوه بر این متن از پیچیدگی ناشی از اصطلاحات و ترجمه‌های غامض و نامفهوم مبری نیست، از جمله موارد می‌توان به؛ فضای تولیدی، حدود دوگانه، مشروط بودگی (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۵)، تولید افزونگی (اردستانی،

۱۳۹۴: ۲۹)، انفکاک انشقاقی (اردستانی، ۱۳۹۴: ۷۶)، اکولوژی بی‌دانشی (اردستانی، ۱۳۹۴: ۳۴)، پیش‌انطباقی (ص ۱۵۱)، قصدیت ذاتی (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۲۳) اشاره کرد.

۳.۴ استفاده مکرر از افعال و جملات مجهول

مترجم در کارگیری صیغه مجهول افعال افراط کرده است. با این توضیح که در نشر انگلیسی جملات مجهول رایج است و مترجم نیز به همان صیغه (البته گاه با تغییر زمان و شخص) جمله را به فارسی برگردانده است. در حالی که استفاده از فعل مجهول در نشر فارسی چندان رایج نیست و در متون ادب فارسی شاید بتوان گفت صیغه مجهول کمیاب است. این ویژگی موجب شده تا متن ثقیل و مواردی گنگ و غیرقابل درک باشد؛

- ایده سیستم‌ها حامی کسانی است که در صدد یافتن راه‌ها و روش‌هایی برای مهار و کنترل جهان هستند (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۳).
- اگر چه کنترل، کنترل کننده و کنترل شونده را از قید درجاتی از آزادی نجات می‌دهد (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۶).
- انگیزه و محرک استفاده از مفهوم سیستم، جستجوی نظم احتمالی در میان عوامل مخل آن می باشد (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۷).

۴.۴ استفاده مکرر از تعابیر مشابه

- استفاده مکرر از تعابیر دلیل آن هم این است که... (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۳)، این دلیل آن است که چرا... (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۳، ۱۷، ۱۵، ۲۳، ۲۹، ۳۶ و...) این بدان معنا است که... (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۵)، با وجود این... (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۵ و ۲۷)
- تعابیر مشابه: مترجم محترم در تمام طول ترجمه ترکیب اگرچه... ولی / اما را که در ویرایش نادرست است را بکار برده است. در حالی که بهتر است تنها یکی از آنها را به کار ببریم استفاده کرده است. برای نمونه، میتوان به (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۵ و ۲۱، ۵۱، ۵۷)، اشاره کرد.

۵.۴ هم‌نشینی واژه‌های متضاد

ترجمه در بسیار موارد روان نیست و متن سرشار از جمالاتی با مفاهیمی متضاد است. این چنین متنی بشدت از اعتماد خواننده نسبت به تقید و مهارت مترجم می‌کاهد. ضعف اعتماد خواننده به متن ترجمه شده موجب شده تا هر جا متن ثقیل می‌شود این غامض بودن به ترجمه نسبت داده شود و کمتر فرصتی برای تأمل بیشتر جهت درک مطالب حاصل شود.

- از قید درجاتی از آزادی نجات می‌دهد (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۶)
- این امر (یعنی سیستم) راهی برای بررسی چگونگی امکان‌پذیری سیستم می‌باشد (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۶).
- طرد پرده‌ها (ص ۲۱)، بیرون‌های درون جهان (اردستانی، ۱۳۹۴: ۲۱)
- ارتباط جهان را به هم مرتبط نمی‌کند بلکه تقسیم می‌کند (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۹۶)

۵. نقد و بررسی محتوایی کتاب

نظریه‌ی سیستم‌های لومان نظریه‌ای مهم در بسیاری از حوزه‌ها از جمله جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مدیریت، روان‌شناسی، ترجمه و هنر است. انگیزه و محرک استفاده از مفهوم سیستم، جستجوی نظم احتمالی در میان عوامل منحل آن است (بیکر، ۱۳۹۴: ۱۷-۱۶). لومان نظریه سیستم اجتماعی خود را به تفصیل در کتاب سیستم‌های اجتماعی (۱۹۹۵) توضیح داده است. در نظریه وی شاهد انتقال از نظریه سیستم‌های بسته به نظریه سیستم‌های باز هستیم با این توضیح که توجه فزاینده به محیط در نظریه سیستمی وی نمایان است. این تغییر، شامل آگاهی از محیط و نیز این نکته است که سیستم‌ها بر پایه روابطی پویا بین سیستم و محیط برقرار شده‌اند. این جابجایی و توسل به سیستم‌های باز با نقد موجود پدیده‌های اجتماعی به گرایش معطوف به اصلاح ساختاریهای اجتماعی، برنامه ریزی، مدیریت و کنترل نیز همراه شده است. پارادایم سیستم‌های باز همچنین گام رادیکال دیگری را نیز تحت عنوان خودارجاعی برداشته است (لومان، ۱۳۹۴: ۵۳). سخن این که در زمانی که به گرایش فکری غالب، معطوف به خرده نظریات است، تلاش لومان برای بازتولید نظریه-ای کلان، برجستگی خاصی به نظریه او داده است.

۱.۵ ابعاد محیط سیستم‌های اجتماعی

لومان از نقطه نظر معرفتی برای محیط سیستم‌های اجتماعی سه بعد اصلی: بعد زمانی به معنای تمایز زمانی میان گذشته، حال و آینده، بعد مادی یا تمایز اکولوژیکی میان سیستم و محیط و بعد نمادین به معنای تمایز اجتماعی میان بازیگر و مشاهده‌گر را تعریف کرده است (بیگر، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۷)؛ لومان بیش از دیگر نظریه‌پردازان اجتماعی، با زمان (Time) به عنوان یک بعد جهان اجتماعی در ارتباط است. او بر این باور است که زمان، سیستم را پیچیده می‌سازد؛ زیرا امتداد زمان به گذشته می‌رسد، و پیکره درهم‌تنیده اعمال را در حال حاضر پیچیده‌تر می‌سازد، و دربرگیرنده افقهای وسیعی در آینده نیز می‌باشد. پس یک نظام اجتماعی باید مکانیسم‌هایی را برای کاهش پیچیدگی زمان ایجاد نماید. سیستم باید با ایجاد رویه‌هایی برای انطباق کنشها با گذشته، حال، و آینده، روشی را برای نظم بخشی به این بعد پیدا کند. بنابه تعریف لومان بعد مادی محیط عبارت است از تمام روابط ممکن بین کنشها در فضای فیزیکی بالقوه بی‌حد و مرز. نهایتاً بعد نمادین، شامل سازوکارها بین تمام نمادهای پیچیده و ترکیب‌هایی است که انسانها می‌توانند به صورت احتمالی از آنها درست کنند، بعضی نمادها را انتخاب کرده و آنها را به نحوی سازماندهی می‌کنند که مخالف تعداد زیادی از جایگزین‌های بالقوه است (ترنر، ۱۹۹۸: ۶۱).

سیستم‌های اجتماعی برای بقاء در محیط پیچیده، سازوکارهایی همچون کدهای ارتباطی شدیداً تعمیم‌یافته، مثل پول و قدرت را جهت کاهش پیچیدگی را به وجود می‌آورند، و بدین صورت با محیط خود ادغام شود. این سازوکارها شامل گزینش روشها و ابزارهایی برای کاهش پیچیدگی است. بر این مبنا سیستم‌ها، محدودیتهای وسیعی درباره اینکه کنشها چگونه و کجا قرار است به نظام‌های تعامل و سازمان مربوط شوند را ایجاد می‌کنند. این سیستم‌ها همچنین زمان ادراک و نوع کنشهایی را که به گذشته، حال، و آینده گرایش دارند، سازماندهی می‌کند. تلقی لومان از سیستم «انطباق موقتی با وضعیت‌های در حال گذار است» (بیگر، ۱۳۹۴: ۱۷) در این راستا چنین گزینشی، مرز بین سیستم و محیط آن را تعریف و مشخص می‌سازد، امری که این نهایتاً برای سیستم این امکان را فراهم می‌سازد که الگوهای کنش مرتبط با همدیگر را تداوم بخشند (ترنر، ۱۹۹۸: ۶۱-۳).

۲.۵ معنا در نظریه سیستم‌های اجتماعی

لومان با اذعان بر متفاوت بودن سیستم‌های اجتماعی و مادی، به پیوند بین آنها نیز باور دارد. به باور لومان هر یک از این دو نوع سیستم بدون دیگری رشد نمی‌کند (آرنولد، ۲۰۰۱: ۶). در راستای تبیین این تفاوت لومان بیش از هر چیز بر مقوله معنا تاکید دارد. در میان تمام نظریه‌پردازان اجتماعی معاصر، لومان بیش از همه به مرکزیت مفهوم معنا برای نظریه اجتماعی توجه کرده است (ویسکوواتف، ۱۳۹۴: ۸۵). با این توضیح که سیستم‌های اجتماعی پیچیدگی محیط پیرامون خود را از طریق توسل به مقوله‌ی معنا کاهش می‌دهند؛ با این وصف تعریف یک سیستم اجتماعی میان حوزه‌ی معنا و بی‌معنایی، در واقع تبیین کننده مرزهای آن است. فهم لومان از معنا نسبی و رابطه‌ی است، درست به همانگونه که وی رابطه همبستگی متقابلی میان سیستم و محیط تعریف کرده، در این مورد نیز بر این باور است که معنا از طریق حذف احتمالات دیگر تولید می‌شود در این حال معنا پیچیدگی را در خود حفظ می‌کند و احتمالات دیگر را از بین نمی‌برد بلکه تنها آن را به حاشیه می‌راند. سیستم با هماهنگی و متعادل ساختن پیچیدگی خود با پیچیدگی محیط، تلاش دارد تا به انواع گوناگون داده‌های وارده از محیط پاسخی درخور داشته باشد؛ این کار با گزینش میان گزینه‌های انجام می‌شود. بنابراین کارکرد سیستم‌ها در همه موارد کاستن پیچیدگی است (هولاب، ۱۳۷۵: ۱۵۲)

۳.۵ نظریه ساختار مبتنی بر کارکرد

نظریه سیستم‌های اجتماعی لومان متأثر و ملهم از دیدگاه پارسونز است، با این حال لومان در سیر تکامل خود بسیار فراتر از آن می‌رود؛ در واقع لومان با تزریق رویکرد فلسفی آلمان در کالبد نظریه سیستمی پارسونز، آن را حیاتی تازه بخشید. برای نمونه لومان به جای کنش (Action) بر ارتباط سیستم‌های اجتماعی تمرکز می‌یابد، آنچنان که به جای سیستم‌های کنش، سیستم‌های ارتباط را جایگزین می‌کند (آرنولد، ۲۰۰۱: ۲). در این راستا مهمترین تحول در این رویکرد تدوین نظریه سیستمی به منزله نوعی نظریه ساختاری مبتنی بر کارکرد در مقابل نظریه کارکردی مبتنی بر ساختار تالکوت پارسونز است (مولر، ۱۳۷۹: ۱). لومان خواستار آن است که کل مفاهیم در درون چارچوب اصالت کارکرد تبیین شوند، حتی مفاهیم حقیقت و ارزش، نه به عنوان پیش فرضهای اولیه، بلکه به لحاظ کارکردی که ایفا

می‌کنند مورد تحلیل قرار می‌گیرند. به نظر لومان مفهوم کارکرد می‌تواند نظریه سیستم‌ها را به نظریه قابل قبولی در خصوص جامعه تبدیل کند (هولاب، ۱۳۷۵: ۱۵۴-۱۵۳). همانگونه که یک جامعه به حوزه‌های کارکردی تفکیک می‌شود، واسطه‌های متمایز نیز برای سازماندهی منابع سیستم‌ها در هر حوزه به کار برده می‌شوند. برای مثال، اقتصاد از پول به مثابه واسطه ارتباطی استفاده می‌کند، قدرت واسطه ارتباطی متمایز حوزه سیاست؛ عشق واسطه خانواده و نهایتاً صداقت واسطه علم است.

۴.۵ خودارجاعی (self-refernce) و خودترمیمی (autopoiesis)

معنا در نظر لومان خودارجاع است؛ یعنی عوامل درون‌سیستمی در تولید آن بیش از عوامل بیرونی تأثیر دارند. نهایت خودارجاعی‌ای قطع رابطه سیستم با محیط خارج است. وجه مشخصه سیستم‌های خود ارجاع و به عبارتی خودساز آن است که این سیستم‌ها تولید کننده و بازتولید کننده عناصر تشکیل دهنده خود هستند و همواره با مشخص ساختن تفاوتشان از محیط به خود شکل می‌دهند. هدف اصلی نظریه‌ی سیستم‌های خودساز عرضه مفهومی است که امکان درک تفاوت میان سیستم‌های زنده و غیرزنده را هموار سازد (ویسکوف و آتف، ۱۳۹۴: ۹۷). بر این اساس، معنا به وسیله خود سیستم و نه جهان خارج است که محک می‌خورد، و معیار نیز این است که آیا کارکردی است یا خیر. نهایتاً خودارجاعی سیستم‌های اجتماعی بدان معناست که سیستم‌های کارکردی، مستقل هستند (آرنولد: ۲۰۰۱: ۷). لومان همچنین سیستم اجتماعی را به مثابه سیستم ارگانیکی در نظر می‌گیرد که قادر به خودتنظیمی (self-regulation) است با این توضیح که وجه مشخصه سیستم‌های خودترمیم آن است که این سیستم‌ها، عناصر تشکیل دهنده خود را تولید و بازتولید می‌کنند (مولر، ۱۳۷۹: ۵).

۵.۵ ارتباط (communication)

از دید نظریه سیستم‌ها، جامعه از ارتباط تشکیل شده است و ارتباطات عناصر بنیادی آن هستند. لومان تمام سیستم‌های اجتماعی را شبکه‌های ارتباطی می‌نامد که در آن هر سیستم، اطلاعاتی را که مورد نیاز است را انتخاب کرده و از محیط دریافت می‌کند. عوامل محیطی از راه نیاز اجتماعی به اطلاعات محیط و نیاز جامعه به منابع موجود در محیط، بر جامعه اثر

می‌گذارند (لومان، ۱۹۹۵: ۸). بر این اساس جامعه یا نظام اجتماعی، جمع کل ارتباطات درونی بامعنا تعریف شده است. در واقع نظام اجتماعی فقط از طریق ارتباطات بیشتر می‌تواند خود را مشاهده کند و نظم بخشد (هریسون، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۰). ارتباط از طریق نمادها ایجاد می‌شود و این نمادها بیانگر خط مشی‌های رفتاری کنشگران هستند. به باور لومان تفکیک سیستم‌های اجتماعی به حوزه‌های کارکردی بدون ایجاد واسطه ارتباطی متمایز برای آن حوزه امکان‌پذیر نیست. با این توضیح که واسطه‌ها باعث کاهش پیچیدگی می‌شوند زیرا دامنه کنش را در یک سیستم محدود می‌سازند، برای مثال عشق به مثابه یک واسطه، انواع روابط ممکن در یک سیستم خانواده را کاهش می‌دهد. این نمادهای ارتباطی که تحت عنوان کدهای ارتباطی از آن یاد می‌شود، در ضمن دلالت بر پاسخهای جایگزین داشته و موجب تثبیت پاسخهای سیستم به محیط نیز می‌شوند. این نمادها ویژگیهای مختلفی دارند. کدها به صورت دو ارزشی و دیالکتیکی هستند، آنچنان که نمادهای آنها بر متضاد آنها دلالت دارد. همچنین کدها، با دلالت بر متضاد خود، پتانسیلی را برای کنش متضاد ایجاد می‌کنند. حتی با وجود کاهش پیچیدگی، واسطه‌ها بر متضاد آنها دلالت دارند و بنابراین گزینه‌های بالقوه را توسعه داده، و به سیستم‌ها انعطاف پذیری می‌دهند برای مثال، پول در ازای کار دلالت بر متضاد آن، کار بدون دستمزد دارد؛ کاربرد قدرت دلالت بر متضاد آن یعنی عدم اطاعت از تصمیمات سیاسی دارد. نهایتاً سازماندهی نمادها در یک کد به انتخاب جایگزین‌هایی که پیچیدگی محیط را کاهش می‌دهند کمک می‌کند (ترنر، ۱۹۹۸: ۶۵).

۶.۵ چگونگی اجماع

لومان تاکید نظریه‌های سنتی بر اهمیت وفاق ارزشی به مثابه یک مکانیسم انسجام بخش در سیستم‌های تفکیک شده را بشدت رد می‌کند. به باور لومان این تئوری‌ها بسیاری از فرآیندها، مثل جرم، تضاد، اختلاف ارزشی را گونه‌ای انحرافی شمرده و آنرا به عنوان آسیب ارزیابی می‌کنند، در حالی که لومان وجود آنها را در سیستم‌های تفکیکی اجتناب‌ناپذیر می‌داند. در واقع لومان، با تاکید بر توافق‌های موقتی و نیم‌بند، توافق و اجماع محض را بشدت رد می‌کند؛ و بر این نکته پافشاری می‌کند که جهان اجتماعی مدرن، جهانی تفکیک یافته و بدون مرکز است، نهایتاً این که در این جهان دیگر نه اقتصاد، نه فرهنگ و نه جریان سیاسی، نقش تعیین‌کننده ندارند. جامعه نه یک کلیت بلکه از تکراری از خرده نظام‌های متفاوت

تشکیل شده که تنها از طریق تفاوت کار می‌کنند: خرده نظام‌های به شدت ضابطه مندی که بر اساس کد و ضابطه خود عمل می‌کنند (اقتصاد بر اساس پول، سیاست بر مبنای قدرت و...)؛ این نظام‌ها به طور توأمان هم به یکدیگر وابسته‌اند و هم خودآیین‌اند. سیستم علمی هرگز نمی‌تواند بدون سیستم سیاسی کار کند و سیستم سیاسی نیز در عین حال وابسته به دانشی است که تحقیقات و علوم فراهم می‌کنند. تئوری سیستم‌های لومان یک تئوری بدون هسته‌ای است که بر پایه تکثر مراکز و در نتیجه تکثر زمینه‌ها طراحی شده است. هیچ مفهوم بنیادین یا حتی مجموعه‌ای از مفاهیم اساسی در تئوری سیستم‌ها به چشم نمی‌خورد. در عوض، تلاشی در کار است تا مفاهیم در رابطه با یکدیگر تعریف شوند. در فرآیند تعریف مفاهیم در ارتباط با هم، این مفاهیم یکدیگر را روشن و محدود می‌کنند (مولر، ۱۳۷۹: ۲).

به باور لومان تعریف سیستم بر مبنای تفاوت آن با محیط تعیین می‌شود. سیستم علاوه بر اینکه در ارتباط فعال با محیط قرار دارد و از آن تأثیر پذیرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد، متشکل از سیستم‌های فرعی نیز هست. هرگونه تغییر در شکل یا محتوای یک سیستم فرعی بر روی ساختار و ترکیب درونی سیستم‌های فرعی دیگر و کل سیستم تأثیر می‌گذارد. سیستم‌ها می‌توانند خرده سیستم‌هایی (subsystems) را شکل بخشند که قادرند با استقلال فزاینده یا وابستگی فزاینده پیچیدگی محیطی را تقلیل دهند (مولر، ۱۳۷۹: ۵). نهایتاً این که لومان فرآیندهای سیستم را با توجه به این شاخص تحلیل می‌نماید که آنها چگونه یک ضرورت کارکردی بزرگ (کاهش پیچیدگی محیطی) را برآورده می‌سازند. از این رو وی همچنان در دایره کارکردگرایی باقی می‌ماند هرچند با رویکرد سیستمی - نظری خود این مکتب را دگرگون ساخته و رادیکال کرده است (هریسون، ۱۳۷۹: ۳۰-۲۷).

۷.۵ ارزیابی نظریه سیستم اجتماعی لومان

نظریه سیستم‌ها مدعی درک کلی و عام موضوع است، بدین مفهوم که در مقام یک تئوری اجتماعی، به همه مسایل اجتماعی می‌پردازد، و نه فقط به بخشها یا قطعاتی محدود (مولر، ۱۳۷۹: ۳)، با این دعوی باید اذعان داشت که این نظریه چشم انداز مناسبی برای شناخت نظام اجتماعی و جهان مدرن، ابعاد آن‌ها و نوع روابط بین اجزاء مختلف درون جامعه و نیز رابطه جامعه با محیط خود را بوجود آورده است. با این حال این نظریه نیز از نگاه منتقدان عاری از مشکل نیست که مهمترین این نقدها پیرامون سه محور قابل جمع هستند.

نخست آن که تأکید بر معنا به تنهایی نمی‌تواند حدود و مرزها را تعیین نماید. برخلاف مرزهای عینی و جسمانی یک سیستم زیستی، که هم از حیث مادی و هم از حیث زمانی مشخص است، حدود معنا، یعنی تفکیک با معنا از بی معنا، به عنوان مرز سیستم‌های اجتماعی، قابل تعیین و تشخیص نیست (هولاب، ۱۳۷۵: ۱۵۳).

دومین مسئله، انتقادی است که از سوی طیف گسترده‌ای از منتقدان و به‌کرار به نظریه‌ی سیستم‌ها وارد شده؛ این که این تئوری محافظه‌کار، تأییدکننده و غیرانتقادی است، و تئوری‌پردازان سیستم‌ها در اغلب موارد به تأیید دوباره وضع موجود پرداخته‌اند (مولر، ۱۳۷۹: ۱۴). به باور هولاب این تئوری به عنوان نظر و روشی توجیه‌گر و مدافع وضع موجود در علوم اجتماعی، در پی عرضه توجیهاتی برای ضعف و زوال دموکراسی در جوامع جدید و حذف آخرین پایگاه‌های دموکراسی از طریق تشدید عقلانیت بوده است (هولاب، ۱۳۷۵: ۱۶۰). از این رو نظریه سیستم‌ها تاکنون در حد یک نظریه در گفتار آکادمیک باقی مانده است آنچنان که حتی در حیطه آن نظام اجتماعی که ادعای تحلیل‌اش را دارد، هیچ ربط و بستی با جامعه پیدا نمی‌کند (هولاب، ۱۳۷۹: ۱۴۱).

مسئله سوم نیز با رویکردی هنجاری طرح شده است، هابرماس به عنوان مهمترین منتقد لومان^۷ در نقد نظریه سیستم‌ها از نقطه روش‌شناسی بر این باور است که تئوری سیستم‌ها به علت وابستگی به روشهای تجربی - تحلیلی، برنامه پژوهشی ناقص و نارسا است. به باور هابرماس زیربنای اصالت کارکرد می‌بایست دربرگیرنده دو وجه باشد؛ از یکسو می‌بایست از وجهی تاریخی - تأویلی برخوردار بوده بگونه‌ای که معطوف به هنجارهای اجتماعی و معنا باشد و از سوی دیگر می‌بایست بعدی نقادانه داشته باشد تا کاستی‌ها و ناراستیهای ایدئولوژیک حال حاضر و توقعات اتوپیاپی آینده را در نظر بگیرد. به نظر هابرماس، بدون این دو وجه، تئوری سیستم‌ها در خدمت توجیه سرکوبگرانه و بیدادگرانه وضع موجود قرار می‌گیرد (هولاب، ۱۳۷۵: ۱۵۱).

۶. نتیجه‌گیری

نظریه‌های سیستمی، جایگاه برجسته‌ای در نظریات اجتماعی و تحلیل پدیده‌های اجتماعی، بخود اختصاص داده است. نظریه‌ی سیستم‌ها، متأثر و ملهم از دیدگاه پارسونز بوده که در سیر تکامل خود بسیار فراتر از آن می‌رود، آنچنان که از یک نظریه کارکردی مبتنی بر

ساختار، به نظریه ساختاری مبتنی بر کارکرد تحول می‌یابد. نظریه‌ی سیستم اجتماعی در پرتو تاملات و نظریه‌پردازی نیکلاس لومان، نقطه اوج اندیشگی در حوزه نظریات سیستمی بشمار می‌رود. نظریه‌های سیستمی اساساً ماهیتی کل نگر داشته، با این حال لومان براساس ایده‌های ماکس وبر در راستای توسعه عناصر رویکرد فردگرایانه کوشیده است. آنچنان که در تصور لومان، سیستم‌ها به موجوداتی جامع تبدیل می‌شوند که مانند افراد مختلف قادر به تصمیم‌گیری و مدیریت خود هستند. لومان برخلاف سلفش که تلاش می‌کردند تا در پرتو رویکرد سیستمی، نوعی تئوری کلان تاریخی و علی در مورد تغییر از جوامع ماقبل مدرن به مدرن را صورت‌بندی کنند که بویژه در مطالعات مقایسه‌ای از آن بهره‌جویند، از زبان تغییر و گزینش و ثبات استفاده می‌کند تا شرحی درباره قابلیت جوامع مدرن برای اعمال کنترل بیشتر که از طریق ارتباطات حاصل می‌شود، ارائه دهد. در این راستا لومان با وارد کردن متغیرهای متنوعی از جمله، متغیر زمان، و تولید مفاهیمی همچون خودارجاعی و خودسازی سیستمی، مرزبندی و امکان بخشی بر مبنای معنابخشی، تحول اساسی در نظریه سیستم‌ها را موجب شده است. با این حال کاهش فعلی علاقه به آثار لومان با این واقعیت تقویت شده است که وی نتوانست مفاهیم خود را به ابزار تحقیق جامعه‌شناسی تجربی تبدیل کند. با این وجود آنچنان که نظریه لومان درباره جامعه‌ای که از نظر عملکرد متفاوت است و پیامدهای آن هنوز محرک مهمی برای اندیشه جامعه‌شناسی معاصر است.

با این وصف باید بیان داشت که خلاء آثار ترجمه شده از نویسنده پرکار و مطرحی همچون لومان، این کتاب به لحاظ موضوعی درخور توجه است. بویژه این که پنج مقاله به قلم لومان ترجمه و تدوین شده است و سه مقاله دیگر نیز درباره این نظریه‌پرداز سیستمی طرح بحث کرده‌اند. برغم این مهم، کتاب حاضر، در معرفی لومان و شناسایی دیدگاه او، تا حدود زیادی ناکام مانده است، اهم این علل عبارتند از ضعف انسجام محتوایی و انباشتی مطالب، آنچنان که در انتهای متن بتوان تصویری جامع از نظریه سیستمی لومان را برداشت کرد. علاوه بر این به لحاظ شکلی نیز مواردی همچون عنوان کتاب نیز نامناسب ارزیابی می‌شود. در واقع عنوان نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی عنوانی بزرگتر از محتوای بیان شده در این اثر است. بنابر محتوا تنها می‌توان از تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها سخن گفت. متن کتاب نیز بنابر نامفهوم بودن مطالب، نیازمند بازنگری اساسی مترجم محترم در ترجمه و استفاده از معادل‌سازی‌های قابل فهم‌تر و متناسب‌تر است. نهایتاً مهمترین نکته مربوط به ویراستاری متن است. متن سرشار از جملات نامفهوم، اصطلاحات

گنگ، همنشینی مکرر کلمات متضاد و عدم توضیح اصطلاحات تخصصی است. عدم رعایت علائم و نشانه‌گذاری‌های نگارشی نیز مزید بر علت شده است. زمانی که این مسائل را در کنار غامض بودن ذاتی مباحث در حوزه نظریه‌های سیستمی قرار می‌گیرد، عدم ارتباط خواننده با متن، اتفاقی معمول است.

در نهایت پیشنهاد برای ارتقای متن در چاپ مجدد این کتاب در چهار بخش ویراستاری متن، بازنگری در ترجمه، بهره‌گیری از اشکال و نمودار و اصلاح نام کتاب ارائه می‌شود؛

- ویراستاری متن: ویراستار جزو غیرقابل حذف چرخه تولید کتاب است، لاجرم غیاب ویراستار غیر قابل قبول است. مجموعه مشکلات ویرایشی و گنگ و نامفهوم و غامض بودن متن نیز دال بر این مهم است. برای رفع این مشکل، ویراستاری کل متن در چاپ مجدد به جد توصیه می‌شود.

- بازنگری در ترجمه: این مهم بویژه به علت نامفهوم بودن معادل‌سازی اصطلاحات، ترجمه غیر روان، جملات گنگ و نهایتاً چیزی که حاصلش حداقل ارتباط خواننده با متن است، ضروری است.

- ترسیم روابط متغیرها و مفاهیم در قالب نمودار: نظریه‌ی سیستم‌ها نظریه‌ای غامض و پیچیده است از این رو غالباً برای ارائه مطالب و مفاهیم در این حوزه از اشکال و نمودار و تصاویر برای ارائه ساده‌تر مطالب بهره گرفته شود. برغم این مهم در کتاب کمتر تصویر و چارت و نموداری برای ساده‌سازی فهم مطالب وجود دارد و در کل تنها دو چارت بسیار ساده وجود دارد (اردستانی، ۱۳۹۴: ۳۳ و ۴۲) که یکی از آنها مترجم اصطلاحات را ترجمه نکرده و اصطلاحات لاتین را مستقیماً وارد متن کرده است (تصویر ۱، اردستانی، ۱۳۹۴: ۳۳). بنابراین پیشنهاد می‌شود با توجه به تخصص مترجم محترم در این حوزه، در قالب توضیحات مترجم، برای تبیین و ساده‌سازی روابط میان متغیرها و جایگاه مفاهیم در نظام اندیشگی لومان نهایت بهره را از نمودار و جداول ببرند.

- اصلاح نام کتاب: عنوان کتاب؛ تغییر پارادایم در نظریه‌ی جامعه‌شناسی، عنوانی بزرگتر از دعوی لومان است این عنوان فراتر از محتوا و فهرست مطالب کتاب است.

بنابراین پیشنهاد می‌شود «تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها» که عنوان مقاله دوم کتاب (اردستانی، ۱۳۹۴: ۴۱) به عنوان عنوان کتاب انتخاب شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. دربرگیرنده هشت مقاله تحت عنوان: «چرا سیستم‌ها»، درک بیکر، «تغییر پارادایم در نظریه سیستم‌ها»، بخشی از کتاب سیستم اجتماعی (نیکلاس لومان، ۱۹۹۵)، «نظریه سیستم‌های جدید و نظریه ی جامعه»، لومان، «بنیانهای نظریه سیستم‌های نیکلاس لومان»، از الکس ویسکواتف، مدرنیت علم» فصل دهم کتاب «علم جامعه» نوشته لومان، «جهانی شدن یا جامعه ی جهانی: چگونه باید جامعه مدرن را درک کرد»، به قلم لومان، «سخن و سکوت»، به قلم لومان و مقاله پایانی تحت عنوان «میراث نیکلاس لومان»، به قلم گوتارد بچمن و نکو استر.
2. A Sociological Theory of Law, London: Routledge, 1985, Art as a Social System, Stanford: Stanford University Press, 2000, The Reality of the Mass Media, Stanford: Stanford University Press, ISBN 978-0-8047-4077-7, Law as a Social System, Oxford: Oxford University Press, 2004, ISBN 0-19-826238-8. "The Modernity of Science", New German Critique 61 (1994), pp. 9-23, Social Systems, Stanford: Stanford University Press, 1995, Religious Dogmatics and the Evolution of Societies, New York/Toronto: Edwin Mellen Press, 1997.
۳. علی اردستانی، نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی، تاملی بر اندیشه‌های نیکلاس لومان، تهران: نشر قومس، ۱۳۹۴.
۴. Over به معنای بیش از اندازه یا از حد نرمال بالاتر رفتن و under به معنای پایین‌تر آمدن و کمتر از حد و اندازه.
۵. حداقل این که برای ترجمه این اصطلاح در موارد ذکر شده واژه ارتباطات رساتر است مواردی همچون: (mathematical theory of Communication ص ۲۴) و (Communication: the Social Matrix of Psychiarity ص ۲۵).
۶. به باور لومان جامعه دارای شش خرده سیستم اجتماعی است: اقتصاد، سیاست، قانون، علم، دین و آموزش و پرورش.
7. with Jürgen Habermas: Theorie der Gesellschaft oder Sozialtechnologie- Was leistet die Systemforschung? Frankfurt: Suhrkamp, 1971.

کتاب‌نامه

- اردستانی، علی (۱۳۹۴)، نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی، تاملی بر اندیشه‌های نیکلاس لومان، تهران: نشر قومس.
- مولر، هارولر (۱۳۷۹)، «تئوری سیستم‌های لومان به مثابه تئوری‌ای در باب مدرنیته»، ترجمه مراد فرهاد پور، ارغنون، تهران: شماره ۱۷.
- هریسون، پل (۱۳۷۹)، «نیکلاس لومان و تئوری نظام‌های اجتماعی»، ترجمه یوسف اباذری، ارغنون، تهران: شماره ۱۷، صص ۱۹-۴۹.
- هولاب، رابرت (۱۳۷۵) یورگن هابرماس: نقد در حوزه عمومی: مجادلات فلسفی هابرماس با بوپری ها، گادامر، لومان، لیوتار، دریدا و دیگران، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
- هولاب، رابرت (۱۳۷۹)، «نتایج کار لومان تئوری سیستم‌ها و پژوهش‌های ادبی: در دوران پس از دیوار برلین»، ترجمه سایه میثمی، ارغنون، تهران: شماره ۱۷، صص ۱۴۶-۱۲۷.

Luhmann, N. (1995). *Social systems*. Stanford, CA:Stanford University Press.

Luhmann, N. (1995). *Social Systems*, Stanford: Stanford University Press.

Turner, J. H. (1998). *The structure of sociological theory*, Wadsworth Pub. Co.

Arnoldi, J. (2001). Niklas Luhmann: an introduction, *Theory, Culture & Society*, 18(1), 1-13.